

علم یراد به تحویل بعض المعادن الی بعض وعلى بواسطة الأکسیرای حجر الفلاسفة او استنباط دواء لجمیع الامراض .

الحرثاة وصناعة الفلاح .

ففي طريقة تحصيل العلوم عند الافرنج وكيفية تقسیم تعليمها و بوجه اجمالی از لا سبیل الی تفصیل ذلك ولا سيما اذا قرن بكيفية استدلالهم على كل فائدة من الفوائد الحاصلة منه نظراً لكثرة الايادي وجهد الباحثين في عامة الاقطار المتعدنة وانصابهم ولو مئات من السنين على اغتنام نتیجة كل ما يتصورون امکان الحصول عليه من ایتة خاصة عرفوها في اي فرع كان من فروعہ و حتی كان هذا العلم عندهم ليس من علم الاقدمين كما يتضح ذلك في كتب الاقدمين

مقالات

آنچه در پی می آید ، نوشتاری است که تنها با انگیزه گزارش یکی از انگاره های موجود در میان غریبان ، پدید آمده است . می دانیم که امروزه برخی از نویسندگان مغرب زمین حرکت سلفی وهابیت را به نوعی در شمار نهضت های اصلاح گر دینی قلمداد می نمایند . مقاله حاضر به گزارش همین امراختصاص داشته و به بررسی این گزاره ناروای ناصواب می پردازد .

تحریریه کتاب گزار

انگاره شباهت وهابیت و نهضت اصلاح دینی در آثار خاورشناسان

کامران محمدحسینی

پژوهشگر تاریخ اسلام ، کارشناس ارشد تاریخ تشیع

چکیده

آثار نویسندگان غربی درباره جوامع شرقی در سده هیجدهم و نوزدهم میلادی از منابع مهم مطالعات تاریخ سده های اخیر این جوامع است . از جمله این آثار ، سفرنامه هایی است که خاورشناسان و نویسندگان غربی پس از سفر به سرزمین های شرقی نگاشته و در آن مشاهدات خود را منعکس کرده اند . یکی از پدیده های مورد توجه نویسندگان غربی در سده نوزدهم میلادی ، جنبش وهابیت بود که در آثار خاورشناسان به ویژه گروهی از آنان که به جزیره العرب سفر کردند و مشاهدات خود را از این فرقه در سفرنامه های خود ثبت کردند ، بازتابی وسیع یافته است . سفرنامه ها و سایر آثار نویسندگان غربی ، اطلاعات گوناگون اجتماعی و تاریخی درباره این جنبش به دست می دهند ؛ اما آنچه در این نوشتار بررسی شده ، نه تاریخ وهابیت بلکه دیدگاه نویسندگان غربی به وهابیت و توصیفی است که آنان از این جنبش ارائه داده اند . در این مقاله ، تنها به یک جنبه از تصویر و توصیف ارائه شده در آثار نویسندگان غربی

من الفوائد الایادی وجهد الباحثين في كثرة الاقطار المتعدنة وانصابهم عامة الاقطار المتعدنة وانصابهم ولو مئات من السنين على اغتنام نتیجة كل ما يتصورون امکان الحصول عليه من ایتة خاصة عرفوها في اي فرع كان من فروعہ و حتی كان هذا العلم عندهم ليس من علم الاقدمين كما يتضح ذلك في كتب الاقدمين من التفاصيل الآتية من التفاصيل السابح من قد ذكرنا في الفصل السابح من المقالة الاولى كيفية انتشار العلوم في عامة اقطار اورپيا وانصاب اهل العلم فيها بنوع اخص على اهل العلوم الطبيعية المذكورة مع ترك ذلك التصلب فی زعامة الراي و لو كان على الغی و غير ذلك من الامور التي كانت سببا فی فساد

سفرنامه ، یکی از منابع مهم مطالعات تاریخی

المعارف القديمة و الترام الاتقياد باتفاق عام
 التي كل ما تحكم العقول السليمة
 بصحة بعد بديل الجهد التام منهم
 اجملا و افرادا بدون ادنى ملل و
 خاصة منذ مدت الملوک العظام
 ساعد العناية في حماية العلوم
 واسعاف العلماء عقب
 افتتاح اخطار تلك
 الحروب الصليبية و معرفة
 ما كانوا عليه من الجهل بالنسبة
 الى الامة العربية سيما بعد ان
 افتتحو مدينة القسطنطينية وروا
 ما كان باقيا فيها من ثمة افندي

التربية القديمة و من الذي
 بالمامون الفطو همتهم في
 دفائن العلوم و منهم من
 استفوا اثار كارلوس الأكبر
 الذي كان تولى

به خصوص سفرنامه نويسان سده نوزدهم ميلادی می پردازيم و آن، تشبيه وهاييت به جنبش نهضت اصلاح دينی اروپاست. در آغاز، پس از معرفی مختصر نهضت اصلاح دينی، وهاييت و خاورشناسان، گزارشی از تشبيه وهاييت به نهضت اصلاح دينی در آثار مورد نظر ارائه داده و سپس برخی از عناصر اين تشبيه از جمله شعارهای مبارزه با فساد و بازگشت به کتاب مقدس را بررسی می کنیم.

واژگان کلیدی: وهاييت، نهضت اصلاح دينی، پروتستانتيزم، خاورشناسان، سفرنامه نويسان غربی.

بيان شباهت
 وهاييت با نهضت
 اصلاح دينی در اروپا

آغاز سخن

هم زمان که آل سعود در سده هیجدهم و نوزدهم میلادی در مرکز جزیره العرب، سرزمین های زیر سلطه خود و جغرافیای پیروان آیین وهاييت را گسترش می داد، مسافرت غربیان به این سرزمین فزونی می یافت. و اواخر سده هیجدهم و به ویژه سده نوزدهم میلادی، جزیره العرب میزبان اروپاییان متعددی بود که با انگیزه ها و مأموریت های مختلف به این سرزمین پا می گذاشتند. گروهی از آنان خاورشناسان حرفه ای بودند که برای اکتشاف آثار باستانی یا مطالعه زبان و فرهنگ بخشی از مردم مشرق زمین به این سرزمین سفر می کردند و گروهی از این مسافران، مأموران نظامی یا سیاسی یا جهانگرد و تاجر بودند.

به هر حال، بیشتر این مسافران در یک ویژگی مشترک بودند و آن کنجکاوی خاورشناسانه درباره سرزمین های شرقی و مردمان آن بود. این گروه از مسافران، اغلب، سفرنامه ای می نگاشتند که شامل شرح سفر و توصیف مردمان و جغرافیای مناطقی بود که از آن گذشته بودند. آثار این نویسندگان بخشی از ادبیات خاورشناسانه درباره جزیره العرب را شکل می دهد. در این نوشتار، از واژه «خاورشناس» برای اشاره به همه این نویسندگان و مسافران غربی استفاده شده است. گروهی از مسافران غربی، روابط مستقیمی با وهاييتان پیدا کردند و به توصیف و معرفی این فرقه در آثار خود پرداختند؛ این نوشته ها در عین حال که اهمیت زیادی برای شناخت تاریخ فرقه وهاييت دارد، بازتاب دهنده بخشی از گفتمان خاورشناسان سده نوزدهم میلادی در مطالعه پدیده های شرقی است که این مقاله نیز در پی بررسی بخش هایی از آن است.

در این نوشتار، نگاهی می اندازیم به بخشی از آثار غربیانی که عمدتاً در سده نوزدهم میلادی به شبه جزیره عربی سفر کردند و در آثار خود مطالبی درباره وهاييت نگاشتند. بیشتر آثاری که در این مقاله بررسی شده اند، سفرنامه ها یا آثاری هستند که بر اساس مشاهده شخصی نویسندگان نگاشته شده اند. در میان مطالب مختلفی که در آثار این دسته از نویسندگان درباره وهاييت می توان یافت، در این مقاله، انگاره تشبيه وهاييت و نهضت اصلاح دينی مورد توجه ماست.

الایمبراطورية في
 سنة (٧٧٢ م) بينل ما في
 خزانهم على ان ينشؤ الهافي
 اقاليمهم و بلادهم منهم ربطوا
 والمكاتب والبعض المدا رس
 لذلك من الاوقاف ما يقوم ربيعه بسد
 احتياجات الملطمين و يكتفيهم
 مونة الاهتمام بامر المعاش
 ليتفرغوا بكتبتهم الى خدمة هذه
 العلوم وتقويتها وكان اول من شرع
 في هذا المشروع الحسن لويس
 السابع ملك فرانس الذي
 تولى المملكة

تفاوت نگاه خاورشناسان
 و مسلمانان به وهاييت

کتاب گزار / شماره دوم و سوم / انگاره شباهت وهاييت و نهضت اصلاح دينی در آثار خاورشناسان

سنة ۱۱۴۶ م) و الکرسی نيقولاوس الثالث حاکم بلاد فراره من ايطاليا سنة ۱۴۳۲ م (والفونس الاول ملك نابولي سنة ۱۴۴۲ م) والبابا نيقولاوس الخامس الذي ارتقى الى الكرسي سنة ۱۴۶۰ م) و بوجنا المدیسی من بلاد توسکانا الذي صار اخيراً بابا باسم لاون الاکبر سنة ۱۵۱۳ م) و بطرس الاکبر امپراطور المکسوب الذي تولى الذي تولى ملكة اسوج سنة ۱۶۸۲ م) و فرديريك الاکبر ملك بروسيا سنة ۱۶۹۷ م) غيرهم جميعهم هنا وقد احتوت هذه المدارس على جميع انواع العلوم والفنون التي ولاين كان

با مطالعه سفرنامه‌های غریبان درمی‌یابیم که نگاه آنان به وهابیت با نگاه مسلمانان تفاوت‌های اساسی داشته است. آنان در برابر وهابیت نگاهی غیرممتقدانه داشتند و در موضعی که به ادعای بنیان‌گذاران آیین وهابیت نزدیک بود، این فرقه را هم چون نهضتی اصلاحی در دین اسلام ارزیابی می‌کردند. بدین ترتیب، در حالی که واکنش عمومی جهان اسلام به گسترش قدرت آل سعود، واکنشی آمیخته با خشم و انکار بود، این دسته از نویسندگان اروپایی در اندیشه و شعارهای این فرقه نوظهور اسلامی، ویژگی‌های آشنایی می‌دیدند که خاطرۀ «نهضت اصلاح دینی» (reformation) اروپا را برای آنان زنده می‌کرد. شاید برخی از آنان چنین می‌پنداشتند که وهابیت نیز همانند نهضت اصلاح دینی که در آغاز از سوی کلیسا طرد و سپس به جنبشی فراگیر در اروپا تبدیل شد، آینده‌ای شبیه به آن داشته باشد. این جنبه از دیدگاه خاورشناسان و مسافران غربی درباره وهابیت، در این جا بررسی شده است.

در این نوشتار، پس از معرفی مختصر اصطلاحات کلیدی، نخست، نمونه‌هایی از مقایسه وهابیت با نهضت اصلاح دینی در متون سفرنامه‌نویسان غربی به خصوص آنانی که در سده نوزدهم میلادی به جزیره العرب سفر کردند و گاه ارتباطی مستقیم با وهابیان برقرار کردند، نقل شده، و در بخش دوم، به بررسی عناصری که این شباهت را در ذهن غریبان شکل داده، پرداخته شده است. هر چند انتقاداتی از آرای خاورشناسان در این نوشتار طرح شده، آنچه در این جا مقصود ماست نه نقد و بررسی کامل شباهت پروتستان‌تیزم و وهابیت که خود نیازمند پژوهشی مستقل است، بلکه گزارشی نمونه‌وار از اندیشه غریبان در این باب است.

نگاهی به اصطلاحات

پیش از آغاز بحث اصلی لازم است درباره سه کلیدواژه اصلی: «وهابیت»، «خاورشناسان» و «اصلاح دینی» که در این مقاله مطرح شده‌اند، توضیحات مقدماتی ارائه شود. در این بخش، به ارائه اطلاعاتی کلی درباره فرقه وهابیت و نهضت اصلاح دینی بسنده خواهد شد. جنبه‌های بیشتری از اندیشه این مذاهب در ادامه مقاله روشن خواهد شد. معرفی جریان خاورشناسی و بیان مختصری از تاریخچه ارتباط این گروه با جزیره العرب و وهابیان، مطالب بیشتری از این بخش را دربر خواهد گرفت. اصلاح دینی مسیحی (reformation): این جنبش که در آغاز به شکل انتقادات پراکنده‌ای از سوی برخی از نویسندگان و روحانیان مسیحی به فساد اخلاقی و مالی و قدرت‌طلبی کلیسای کاتولیک رخ نمود (دورانت، ۱۳۶۸، ج ۶: ۲۰ تا ۳۰؛ وحیدی مهرجردی، ۱۳۸۹: ۱۵ تا ۱۸)، در سده شانزدهم با ظهور افرادی مانند مارتین لوتر (Martin Luther) (۱۴۸۳ تا ۱۵۴۶)، ژان کالون (John Calvin) (۱۵۰۹ تا ۱۵۶۴)، اولریش تسوینگلی (Ulrich Zwingli) (۱۴۸۴ تا ۱۵۳۱) و ... به جنبشی فراگیر و انقلابی در اروپا تبدیل شد که به انشعاب در کلیسای کاتولیک انجامید.

نظر کلیسا درباره نهضت اصلاح دینی در اروپا

البعض منها معروفة مبادیه للشرقیین فی الازمنة القديمة فان كثيراً منها و بمالم یکن معروفاً عندهم بالکلیة.
زبدة الصحائف فی اصول المعارف، ص ۱۹۴
تحریریه کتاب گزار

انگاره‌های اولیه نهضت دینی مسیحی

آموزه نجات و آمرزیدگی از طریق ایمان، بازگشت به کتاب مقدس، انکار حجیت کلیسا و رد برخی از شعائر و آداب مرسوم کلیسایی، از جمله مهم‌ترین اصول اندیشه‌های اصلاح‌گران بود (نک: مک آفی براون، ۱۳۸۲: ۳۹ تا ۷۴؛ لسلی، ۱۳۸۶: ۸۱ تا ۱۱۹؛ وحیدی مهرجردی، ۱۳۸۹: ۲۰). اصلاح‌طلبان به شاخه‌های متعددی تقسیم شدند و گرایش‌های مختلفی یافتند که در این جا از اشاره به آن‌ها می‌گذریم. هریک از شاخه‌های مختلف اصلاحات مسیحی، در جزئیات تفاوت‌هایی عمیق با یکدیگر داشتند که بررسی این تفاوت‌ها و نسبت‌سنجی هر یک از این گرایش‌ها با وهابیت، از اهداف این مقاله خارج است و خود مجالی دیگر می‌طلبد (نک: مک آفی براون، ۱۳۸۲: ۷۵ تا ۱۰۰؛ مک گراث، ۱۳۸۲: ۵۶ تا ۶۶). در این مقاله، از واژگان «پروتستان» و «اصلاح‌طلب»، بدون توجه به اختلافات و انشعابات این جنبش، برای اشاره به کل جنبش اصلاح دینی استفاده شده است.

وهابیت: فرقه‌ای مذهبی است که در سده هیجدهم میلادی در مناطق داخلی جزیره العرب پدید آمد و بنیان‌گذارش، محمد بن عبدالوهاب (۱۱۱۵ تا ۱۲۰۶)، از علمای حنبلی مذهب آن دیار بود. عنوان «وهابیت» را مخالفان این فرقه به آنان اطلاق کردند و پیروان عقاید محمد بن عبدالوهاب که خود را اهل توحید می‌خوانند این عنوان را به رسمیت نمی‌شناسند. محمد بن عبدالوهاب، داعیه اصلاحگری در اسلام از رهگذر بازگشت به عمل و گفتار سلف صالح داشت. بر اساس همین رویکرد اصلی، محمد بن عبدالوهاب در آثار خود تعریفی از توحید الوهی به دست داد که برخی از رفتارهای رایج مسلمانان را خارج از دایره اسلام قرار می‌داد و آنان را اعمالی شرک‌آمیز قلمداد می‌کرد. از همین منظر، زیارت قبر اولیاء و صالحان - که نزد مسلمانان، آیینی بسیار رایج بوده است - به شدت مورد اعتراض وهابیان قرار گرفت و عملی شرک‌آمیز تلقی شد (ابن غنام، ۱۹۹۴: ۱۳ و ۴۹؛ کرمانی، ۱۳۸۲: ۱۴ تا ۱۵).

افزون بر بازتعریف توحید که محور اصلی اندیشه محمد بن عبدالوهاب بود، آرای او جنبه‌های کلامی و فقهی دیگری نیز داشت. یکی از جنبه‌های مهم اندیشه وهابیان در حوزه فقه، مخالفت با تقلید از فرق مذهبی و فقهی که رویه رایج اهل سنت بوده و اعتقاد به گشوده بودن باب اجتهاد است. به این ترتیب، محمد بن عبدالوهاب با اعتبار و اقتدار علمای جهان اسلام به مخالفت پرداخت (در باره عقاید وهابیان و نقد آن‌ها نک: عاملی، بی تا: ۱۰۶ تا ۱۱۵). در حوزه اندیشه‌های کلامی نیز نظرات وهابیان به اندیشه اهل تشبیه و تجسیم نزدیک دانسته شده است (علیزاده موسوی، ۱۳۹۱: ۱۳۳).

محمد بن عبدالوهاب خیلی زود با پیوند اندیشه‌هایش با سیاست، این اندیشه‌ها را هم چون دعوتی تازه در جزیره العرب ظاهر ساخت. او در سال ۱۱۵۷ قمری با محمد بن سعود، بزرگ یکی از قبایل نجد و رئیس شهر درعیه، پیمان بست. ابن سعود که سیطره بر کل جزیره العرب را در سر می‌پروراند، گسترش آیین تازه را هدف مقدس خود اعلام کرد. نبردهای پی‌در پی با قبایل

مهم‌ترین اصول اندیشه اصلاح‌گرایان

بیان چستی وهابیت

جایگاه تقلید در اندیشه وهابیت

اطراف کم‌کم نجد را زیر سلطه آل سعود کشاند و دامنه قدرت آنان را از نجد بیرون برد و در نهایت مکه و مدینه در سال ۱۲۲۰ق / ۱۸۰۵م، زیر سلطه سعود بن عبدالعزیز (۱۲۱۸ تا ۱۲۲۹) حاکم وقت سعودی درآمد (ابن بشر، بی تا: ۱: ۱۲۲).

در سال ۱۲۲۶ لشکری از سوی محمد علی پاشا حاکم مصر، برای سرکوب آل سعود به جزیره العرب فرستاده شد که در نهایت به شکست کامل آل سعود انجامید و در عین پایتخت آل سعود به دست مصریان سقوط کرد (ابن بشر، بی تا: ۱: ۱۶۰؛ ریاحی، ۱۹۸۱: ۹۰). باقی ماندگان دولت سعودی بار دیگر در سال‌های دهه ۱۸۸۰ سربرآوردند و بار دیگر بنجد حاکم شدند و کم‌کم قدرت خود را به مناطق دیگر جزیره العرب توسعه دادند و در نهایت در سال ۱۹۲۴ میلادی موفق به تصرف حجاز و شهرهای مکه و مدینه شدند (نک: الریاحی، ۱۹۸۱: ۴۲۷ تا ۴۳۲) و در سال ۱۹۳۲ میلادی مملکت عربی سعودی را تأسیس کردند.

خاورشناسان و جزیره العرب: واژه خاورشناس (در عربی: مستشرق) معادل واژه orientalist در زبان انگلیسی است که در اواخر سده هیجدهم میلادی در اروپا کاربرد تازه یافت و به دانش آموختگان اروپایی که با روش علمی به مطالعه درباره خاورزمین روی آورده بودند اطلاق شد. پژوهشگران سابقه مطالعه غربیان درباره شرق اسلامی را به سده‌های میانه و زمان مواجهه اروپا با قدرت مسلمانان در عصر فتوحات بازگردانده و وقایع تاریخی مانند جنگ‌های صلیبی در قرن دوازدهم و سیزدهم و ظهور و قدرت نمایی امپراتوری عثمانی در مرزهای اروپا در سده‌های چهاردهم تا شانزدهم میلادی را هم چون مراحل در روند پیوسته مطالعه غرب درباره شرق اسلامی که عمدتاً با رویکردی خصمانه همراه بود در نظر می‌گیرند (فوک، ۲۰۰۷: ۱۳ تا ۱۴؛ الویری، ۱۳۸۱: ۱۳، ۶۸، ۷۴ و ۷۹). از سده شانزدهم، سفراروپاییان به مشرق زمین بیشتر شد و آموزش زبان‌های شرقی در اروپا رواج یافت و سفرنامه‌های بسیاری از سفراروپاییان به سرزمین‌های شرقی و اسلامی نگاشته شد؛ اما این تنها از نیمه دوم سده هیجدهم میلادی و به خصوص در سده نوزدهم میلادی بود که با تأسیس مؤسسات خاورشناسی در کشورهای مختلف اروپا، خاورشناسی به شکل یک رشته علمی منسجم و مبتنی بر روش‌شناسی علوم جدید ظهور یافت (السامرائی، ۱۴۰۳: ۱۹ تا ۲۴؛ حمیش، ۱۹۹۱: ۱۹). در سده‌های میانه شبه جزیره عربی، منطقه‌ای ناشناخته برای اروپاییان بود و تنها نام حجاز و شهر مکه که خاستگاه دین اسلام بود در بین اروپاییان شهرتی داشت (بیرین، بی تا: ۲۴). با آغاز عصر رواج سفرهای اروپاییان و به واسطه جهانگردانی که از سفر خود سفرنامه‌ای نگاشتند، اطلاعات تازه‌ای درباره جزیره العرب به اروپاییان ارائه شد. بسیاری از منابع، قدیم‌ترین سفرنامه یک اروپایی غیرمسلمان به شهرهای مکه و مدینه را سفرنامه یک جهانگرد ایتالیایی به نام لودوویکو دی وارثیما (ludovico di varthema) می‌دانند که در سده شانزدهم میلادی نگاشته شده است (Rally, 1909: P23).

تبیین واژه خاورشناس



قدیمی‌ترین سفرنامه
اروپایی غیرمسلمان

او با نگارش سفرنامه خود، اطلاعاتی مبتنی بر مشاهده به اروپاییان ارائه کرد؛ هرچند کتاب او نیز خالی از گزارش‌های غیرواقعی و خیالی نبود. کتاب وارثیما در اروپا به سرعت به بیشتر زبان‌های اروپایی ترجمه شد. (Yartheta, 1863: p iii-xvi) تا سده نوزدهم میلادی تعداد دیگری از اروپاییان، مانند ونسان لوبلان (Vincent le Blanc)، یوهانس وایلد (Johann Wild) و جوزف پیتس (Joseph pitts)، به مکه و مدینه سفر کردند و سفرنامه‌هایی نگاشتند. این گروه از جهانگردان را نمی‌توان به معنای اصطلاحی، خاورشناس به حساب آورد. سفرنامه‌های آنان هرچند نمونه‌های ابتدایی آثار خاورشناسان بعدی به شمار می‌روند، خود فاقد رویکرد علمی آثار خاورشناسان در سده نوزدهم میلادی هستند. سفر خاورشناسان که شامل گروه‌های علمی و دانشمندی می‌شد که قصد اکتشاف در جزیره‌العرب یا مطالعه درباره مردم این سرزمین داشتند، در قرن هیجدهم میلادی آغاز شد و در سده نوزدهم میلادی به اوج خود رسید.

بیشتر خاورشناسانی که از سده نوزدهم میلادی به مکه و مدینه قدم گذاردند فارغ‌التحصیلان رشته‌های علوم طبیعی، پزشکی، حقوق یا زبان‌های شرقی بودند و برخی نیز در زمره افسران ارتش کشورهای اروپایی قرار داشتند (Rally, 1909: P, 75, 162, 191, 200, 223). این افراد مدت زیادی در سرزمین‌های اسلامی زندگی کرده بودند و با زبان‌های شرقی و به خصوص عربی آشنایی کامل داشتند و به دلیل این که ورود به شهرهای اسلامی برای غیرمسلمانان ممنوع بود، بیشترشان با هویتی جعلی به سفر حج رفتند. آنان به عنوان مسلمان یا مسلمان شده و با نام‌هایی مستعار و اسلامی در سرزمین‌های اسلامی و مکه و مدینه شناخته می‌شدند (Rally, 1909: P48, 165). با این که عده‌ای از این خاورشناسان در اصل فرستادگان سیاسی بودند یا در زمره دیپلمات‌ها یا افسران ارتش قرار داشتند، به دلیل آموزش‌های علمی که دیده بودند و به لحاظ اثر یا آثاری که از خود به جا گذارده‌اند و شامل اطلاعات و مشاهدات علمی آنان از اوضاع طبیعی و انسانی شبه جزیره عربی است، بیشتر به عنوان خاورشناس شهرت دارند. در این مقاله نیز به همه گروه‌های مسافران و پژوهشگران غربی که از خود آثاری درباره جزیره‌العرب یا وهابیت به جای گذارده‌اند عنوان خاورشناس اطلاق شده است.

بعد از ظهور وهابیت در سده هیجدهم میلادی، فعالیت‌های این فرقه نظر مسافران غربی را به خود جلب کرد و توصیف وهابیان و شرح اقدامات سیاسی آل سعود به آثار غربیان راه یافت. از قدیمی‌ترین آثاری که درباره وهابیت به یک زبان اروپایی نگاشته شده است، سفرنامه لویی دو کورانیس (۱۷۷۰ تا ۱۸۳۲م) فرانسوی است که از سوی دولت فرانسه مأموریت‌های زیادی در سرزمین‌های اسلامی انجام داده بود.

تعداد نگاشته‌های اروپاییان که در آثار خود درباره وهابیت سخن می‌گفتند در سده نوزدهم میلادی بیشتر شد. دهه اول و دوم این سده که فعالیت آل سعود در حجاز بیشتر شده بود،

برخی از خاورشناسان اروپایی به مکه و مدینه سفر کردند و مشاهدات مستقیم خود از وهابیان را در سفرنامه هایشان منعکس کردند. دومینگوبادیا ای لیبلش که در سال ۱۸۰۷ در مکه بود، اولریش سیتزن که در سال ۱۸۱۰ به مکه سفر کرد و جان لویس بورکهارت که در سال ۱۸۱۴ و هم‌زمان با جنگ مصریان با وهابیان، در حجاز حضور داشت، از جمله این افرادند (الریاحی، ۱۹۸۱: ۷۸ تا ۸۰). بورکهارت که از مشهورترین خاورشناسان اروپایی است، افزون بر اطلاعاتی که در سفرنامه خود درباره وهابیان به دست داده، کتاب مستقلی درباره بدویان و وهابیان نگاشته و در آن به شرح عقاید و ساختار سیاسی اجتماعی آل سعود و تاریخ فعالیت آنان در دوره نخست حکومتشان پرداخته است. مطالعه درباره فعالیت وهابیان، در سده نوزدهم ادامه یافت و با قدرت‌گیری دوباره آل سعود در اواخر این قرن، توجه غربیان به این خاندان بیشتر شد. در طول این قرن، بسیاری از این مسافران به قصد دیدار با وهابیان به این سرزمین سفر کردند که تعداد زیادی از آنان کارشناسان نظامی یا سیاسی بودند. در سده نوزدهم میلادی غیر از مسافران غربی، گروهی از سایر نویسندگان غربی نیز به نگارش آثار تحقیقی درباره وهابیت دست زدند. (کتابشناسی مختصر و کارآمدی را از نگاشته‌های غربیان در سده نوزدهم با موضوع جزیره العرب و وهابیت بنگرید دز: ابوعلیه، ۱۴۳۰: ۴۵۱ تا ۴۶۳؛ برای اطلاعات بیشتر درباره مسافران غربی جزیره العرب نیز نک: محمود، ۱۴۳۰: ۲؛ کل کتاب).

نمونه‌هایی از مقایسه وهابیت و نهضت اصلاح دینی در آثار نویسندگان غربی
شباهت نهضت اصلاح دینی و وهابیت، انگاره‌ای فراگیر نزد سفرنامه‌نویسان غربی در سده نوزدهم میلادی بوده است و دقت در واژگانی که آنان وهابیت را با آن نامیده یا توصیف کرده‌اند این مدعا را به سادگی اثبات می‌کند. آنان برای اشاره به وهابیت از واژگانی که درباره نهضت اصلاح دینی کاربرد داشته استفاده کرده‌اند.

افزون بر آن، برخی از نویسندگان به شباهت نهضت اصلاح دینی و شاخه‌های آن با وهابیت تصریح کرده‌اند. لویی دو کورانسیه (Louis Alexandre Olivier de Corancez) فرانسوی (۱۷۷۰ تا ۱۸۳۲م)، از نخستین نویسندگان اروپایی است که در کتابی که در اواخر سده هیجدهم درباره تاریخ وهابیت نگاشته، به شباهت پروتستانتیزم با این جنبش تصریح کرده است (De Corancez, 1810: 18). همان‌طور که اشاره کردیم، نویسندگان غربی در این دوره، وهابیت را نه هم چون یک فرقه بدعت‌آمیز بلکه آن را هم چون نمونه اسلامی اصلاح دینی می‌نگریستند. واژه reform (اصلاح) که از واژه‌های معمول در اشاره به نهضت اصلاح دینی اروپاست، از پرکاربردترین واژه‌ها برای توصیف جنبش وهابیت در آثار این نویسندگان است. مشتقات این واژه هم چون reformer برای اشاره به محمد بن عبدالوهاب بارها در آثار آنان تکرار شده است (Ali Bey, 1816: 2: 150; Doughty, 1921: 2: 425).

«بورکهارت» از مشهورترین
خاورشناسان اروپایی

محمد
بن | احسن
الشیروانی الشهير بجمالاً میرزا
- أفاض الله على تربته الزكية
شایب عفو و غفرانه، وألبسه
جلايب رحمنه و رضوانه - ضحوة
يوم الجمعة تاسع عشر رمضان من شهر
الأعظم شهر رمضان من شهر
سنة ثمان وتسعين في بلدة اصفهان
الهجرة الطاهرة
- صينت عن طوارق الحدثان -
مرجعه من زيارة بيت الله
الحرام وقبر سيد
الأنام

شباهت پروتستانتیزم
و وهابیت

والله
العز الكرام.
وله رضي الله
عنه يومئذ

خمس وستون سنة. واتفق الصلاة عليه في الجامع العتيق، ونقل إلى جوار بضعة الرسول... علي بن موسى الرضا - صلوات الله عليه وعلی آياته الطاهرين وأولاده رضوان الله عليه - وقد كان رضوان الله عليه - قبل صلي الله عليه - سنة تقريباً، التاريخ بثلاثين سنة تقديساً وتوسط بين المشهد المقدس والله روحه في ساكنه من الصلوات، الروي - إحدى عشرة سنة، أعلاها وأنماها - إحدى الغمرات، يخوض إلى رضوان ربه وأزوجه، حتى انتقل عن ذلك المشهد كرهاً.

کتاب یادداشت‌هایی درباره بدریان و وهابیان اثر لوییس بورکهارت

دفن بعد نقله رفعه الله إلى منازل المقرئين شمال القبة المطهرة المقدسة في المدرسة الجعفرية التي ينتهي بابها إلى الصحن

تعبیر پروتستانتیسم برای وهابیت

المكرم المقدس، في السرداب تحت المدرس، تجاه الباب الثاني من باب السرداب عن الباب قاب قبرين. وقد صنّف قُدس الله بفضله ورسائل، يشهد بفضله ألو الخط ۳۰

جان لوییس بورکهارت (Burckhardt John Lewis) (۱۷۸۴ تا ۱۸۱۷ م)، خاورشناس مشهور سوئیسی که کتابش در تاریخ وهابیت با عنوان یادداشت‌هایی درباره بدویان و وهابیان از شهرت بسیاری زیادی در غرب برخوردار بود و تأثیر زیادی بر اندیشه سایر پژوهشگران داشت، وهابیت را نوعی پیوریتنیسم (Puritanism) [۱] اسلامی تعریف می‌کند (Burckhardt, 1830: 274). برخی از آثاری که بعد از کتاب‌های بورکهارت نوشته شدند، برای توصیف وهابیان، بیش از همه بر کتاب وی متکی بودند و گاه به بازنویسی نوشته‌های وی اکتفا می‌کردند. از این رو، عجیب نیست اگر همین تعبیر پیوریتنیسم اسلامی را در آثار دیگر اروپاییان سده نوزدهم باز یابیم (richton, 1834: 2: 289; Chambers's encyclopedia, 1968: x: 39).

تاکید بر مشابهت نهضت اصلاح دینی اروپایی و وهابیت، در آثار برخی از سفرنامه نویسان صراحت بیشتری یافت. ادیب و سفرنامه نویس فرانسوی، شارل دیدیه (Charles Didier) در سفرنامه خود، وهابیت را آشکارا به پروتستانتیسم تشبیه و محمد بن عبدالوهاب، بنیانگذار وهابیت را با برخی از سران نهضت اصلاح دینی مانند ساونارولا (Girolamo Savonarola)، یان هوس (Jan Hus)، مارتین لوتروژان کالون مقایسه کرده است (Didier, 1857: 179-180). دیدیه، هرچند تقریباً همه مطالبش را درباره وهابیت از کتاب بورکهارت اقتباس کرده و در استفاده از تعبیر قطعی در مقایسه پروتستانتیسم اروپایی با جنبش وهابیت بی‌پروا تر قلم زده است.

چنین نمونه‌هایی در کتاب‌های دیگر نویسندگان غربی نیز دیده می‌شود. از جمله، نویسنده کتابی که به تاریخ زندگی محمد علی پاشای مصر می‌پردازد، در معرفی فرقه وهابیت، آن را با فرقه Socinianism مقایسه کرده است (Hodgson, 1837: 11)؛ یکی از شاخه‌های کلیسای اصلاح طلب در کشور لهستان و منسوب به مؤسس آن با نام Faustus Socinus (۱۵۳۹ تا ۱۶۰۴ م) بود که پیروانی در کشور آمریکا پیدا کرد. نویسنده‌ای دیگر نیز در اثر خود، وهابیت را یکی از نمونه‌های اصلی جنبش‌های احیای دین (revival) در اسلام معرفی می‌کند (Wavell, 1918: 30).

از نمونه‌های متأخر می‌توان به کریستین هورخرونیه (Christiaan Snouck Hurgronje) (۱۸۵۷ تا ۱۹۳۶ م)، اسلام‌شناس برجسته و تأثیرگذار هلندی که مدتی را در مکه گذراند و مطالعات زیادی درباره اسلام داشت، اشاره کرد. وی در نخستین سال‌های سده بیستم میلادی حرکت وهابیت را آشکارا با پروتستانتیسم در کلیسای مسیحی مقایسه کرده است. وی که از ادبیاتی کاملاً مسیحی استفاده کرده، واژه کلیسا را برای اشاره به سازمان روحانیت اسلامی و واژه پروتستان را برای اشاره به جنبش وهابی و دیگر جنبش‌هایی از این دست به کار برده است (Hurgronje, 1916: 88-89).

«کریستین هورخرونیه» اسلام‌شناس هلندی

والألیاب .
وأربعون :
- على تعليق الخفري على الشرح
الجديد للتجريد إلى حيث ينتهي
شرح
ثم من ذاك الموضوع على الشرح
إلى بحث قضاء والقدر . [٢]
٢ . ومنها : رسالة في
الطعن على أبي بكر وعمر
التي يتوقف عليها من الأصول
المسألة والكلام عليها ما لا يتضمنه
مصنّف [٣] .
٣ . ومنها : تعليقه على رسالة إثبات
الواجب للدواني وتعليق الحنفي
والشيرازي عليه .
٤ . ومنها : رسالة في الاستدلال
على صدق كلام الله

عناصر اصلی انگاره شباهت وهابیت و اصلاح دینی

شناخت خاورشناسان سده نوزدهم میلادی از وهابیت، تحت تأثیر انگاره تشابه این جنبش با نهضت اصلاح دینی قرار داشته است و توصیفی که آنان از عقاید این جنبش ارائه کرده اند آمیخته به مفاهیم و واژگانی است که پیش تر در نهضت اصلاح دینی آزموده شده بود. در این بخش از نوشتار سعی می کنیم با بازخوانی متونی که در بخش گذشته به اختصار بدان اشاره کردیم، دو گونه از مهم ترین عناصری که در توصیف نویسندگان غربی از وهابیت وجود دارد و گمان می رود سازنده انگاره تشابه دو فرقه وهابیت و پروتستانتیزم در ذهن آنان باشد را استخراج و بررسی کنیم. به سخن دیگر، در این بخش به برخی از وجوه تشابه پروتستانتیزم و وهابیت از دیدگاه این نویسندگان می پردازیم.

مقایسه میان وهابیت و پروتستانتیزم در آثار سفرنامه نویسان و خاورشناسان غربی، مقایسه الهیات پذیرفته شده این دو فرقه یا حتی مقایسه زمینه های اجتماعی و تاریخی ظهور آنها نیست؛ رای به تشابه بین این دو جنبش بیشتر حاصل شباهت در ساخت بیرونی این دو، در مقام فرقه هایی معترض به وضع موجود و مدعی اصلاح دینی است. از جمله مهم ترین عناصری که به نظر می رسد آنان را به رأی به مشابهت این دو فرقه واداشته، می توان به دو عنصر اساسی «اصلاح دینی» و «بازگشت به متون مقدس» اشاره کرد. این دو مفهوم که هم چون دو شعار اصلی در هر دو فرقه وهابیت و پروتستانتیزم طرح شده اند، مفاهیمی در هم تنیده اند و جدا کردن آنها از هم جز با تسامح امکان پذیر نیست.

١. اصلاح گری

خاورشناسان در معرفی محمد بن عبدالوهاب معمولاً او را هم چون مصلحی (reformer) ترسیم می کنند که با سفر در سرزمین های اسلامی و مشاهده عملکرد مسلمانان به این نتیجه رسید که آموزه های اصلی اسلام (primitive faith of Islam) دچار فساد و تباهی (Corruption) شده و به فکر اصلاح این وضعیت افتاد (Burckhardt, 1830: 274). آنان در توصیف اندیشه محمد بن عبدالوهاب، به اعتراض او علیه اعمال خرافی (superstitious) و شرک آمیز (Idolatrous) نزد مسلمانان اشاره کرده و به شرح اعتراضات وهابیان درباره زیارت و شفاعت پرداخته اند (Wavell, 1918: 30). بورکهارت صفحاتی از اثر خود را به شرح اعتراض وهابیان به آنچه آنان تقدیس و پرستش (adoration) پیامبر و آنچه وی علاقه ترکان (واژه ای که اروپاییان به معنای مسلمانان به کار می بردند) به بزرگداشت قبور و زیارت اولیاء و مشایخ می نامد، اختصاص داده است (Burckhardt, 1830: 105-108).

در اندیشه خاورشناسان، مبارزه وهابیان با آیین هایی که از نظر آنان انحرافی از آموزه های اصلی اسلامی و حاصل اضافات فرقه های دینی به اسلام اصیل است، مشابه مبارزه پروتستان ها با

دو عنصر اساسی؛ اصلاح
دینی و بازگشت به
متون مقدس از وجوه
شباهت وهابیت و
پروتستانتیزم می باشند

٥ . منها : جواب لمسأله
سئل رضي الله عنه عنها في هذا
المطلب .
٦ . منها : رسالة في إثبات الصانع
جلت عظمته وإثبات النبوة
والإمامة على ما تذهب إليه
الإمامية رضوان الله بالفارسية .
٧ . منها : رسالة

خاورشناسان و معرفی
محمد بن عبدالوهاب
بعنوان مصلح دینی

بالعربية
في الاستدلال

بِسُورَةِ
هَلْ أُنْبِيَّ عَلَى
عَصْمَةِ أَصْحَابِ الْكِسَاءِ
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ.
١٠. وَمِنْهَا: رِسَالَةٌ بِالْفَارَسِيَّةِ فِي ذَلِكَ
الْاِسْتِدْلَالِ بِنُكْلِ السُّورَةِ عَلَى رُؤْيِ
الْمَطْلَبِ [١٤].
٩. مِنْهَا: رِسَالَةٌ فِي تَحْقِيقِ مَا رُؤِيَ
عَنِ الْأُمَّةِ - صَلَّيْ
اللَّهُ عَلَيْهِمْ - مِنْ وَفُوعِ
الْبَدَاءِ فِي عِلْمِ اللَّهِ تَعَالَى
بِالْفَارَسِيَّةِ [١٥].
١٠. وَمِنْهَا: رِسَالَةٌ فِي مَعْنَى مَا رُؤِيَ
فِي الْكَافِي مِنْ قَوْلِهِ: «سِتَّةَ أَشْيَاءَ
لَيْسَ لِلْعِبَادِ فِيهَا صَنْعٌ»، بِالْفَارَسِيَّةِ.
١١. مِنْهَا: تَأْوِيلُهُ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ
خَبَرُ رِوَاةِ الصَّدُوقِ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ
عَنْهُ: «مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مِنْ كَمَةِ
أَعْمَى» الْخَبْرُ.

پیرایه‌های افزوده شده از سوی کلیسا به مسیحیت است. از همین روست که این نویسندگان، وهابیان را هم چون فرقه‌ای می‌شناختند که مسلمانان را به بازگشت به شکل ساده و ابتدایی اندیشه و عمل اسلامی فرا می‌خواند (Ali Bey, 1816:2).

در نقد این انگاره می‌توان به این موضوع اشاره کرد که نهضت اصلاح دینی بیش از هر چیز شورش علیه فساد کلیسا بود و نوک پیکان انتقادات پروتستان‌ها به سوی روحانیت کلیسایی نشانه رفته بود (کونگ، ۱۳۸۴: ۱۶۹ تا ۱۷۲؛ مک‌گراث، ۱۳۸۲: ۹۳ تا ۹۶)؛ اما اعتراض وهابیت، به طبقه خاصی از اشراف یا روحانیان اختصاص نداشت، بلکه اعتقاد به فساد و تباهی اندیشه عموم مسلمانان بود. آنچه وهابیان اعمال انحرافی و شرک آمیز قلمداد می‌کردند، تنها از گروه خاصی از طبقه روحانیت یا حاکمان عثمانی سرمنی زد، بلکه رفتارهایی عام و فراگیر بود: زیارت، استعمال دخانیات و پوشیدن لباس حریر از جمله رفتارهای عمومی در میان مردم بود که وهابیان به مقابله با آن پرداختند (ابن بشرنجدی، بی تا، ج ۱: ۷ تا ۹؛ سباعی، ۱۴۲۰: ۵۰۳). به سخن دیگر، اگر لوتر، پاپ را دجال و ضد مسیح می‌خواند (دورانت، ۱۳۸۳: ۶: ۴۲۲)، وهابیان، همه گروه‌هایی که از دیدگاه آنان اعمال شرک آمیز انجام می‌دادند را تکفیر و درباره غیر وهابیان حکم جهاد صادر می‌کردند.

۲. بازگشت به متون مقدس

دیگر عنصر مهم توصیف نویسندگان غربی سده نوزدهم از وهابیت، شعار بازگشت به قرآن و سنت گذشتگان و طرح موضوع اجتهاد و نفی تقلید است. این عنصر، با آموزه مبارزه با فساد و انحراف در دین پیوندی عمیق دارد و در ادامه، اعتراض به چیزی است که وهابیت آن را اضافه کردن پیرایه‌ها به دین می‌نامد. بازگشت به عقاید سلف، در واقع، مخالفت با همین پیرایه‌هایی است که به عقیده وهابیت علت اصلی فساد عقیده و عمل اهل اسلام است. از دیدگاه وهابیان، این پیرایه‌ها با انتقال اندیشه مردمان دیگر تمدن‌ها و ادیان، وارد اسلام شده و از سوی سنت‌های غلط فقها مانند سنت اجماع تأیید شده است (هوشنگی، ۱۳۹۰: ۹۳؛ ضاهر، ۱۴۱۴: ۷۶ تا ۸۰). در واکنش به همین عقاید به‌زعم وهابیان وارداتی است که لزوم بازگشت به اسلام اصیل - که الگوی واقعی آن، مسلمانان صدر اسلام‌اند - مطرح شده است.

وهابیان چنان‌که خاورشناسان آنان را توصیف می‌کنند، به تفسیر مفسران گذشته از قرآن، و نیز مذاهب فقهی بی‌اعتنا بودند و تنها منبع دریافت دین را قرآن و سنت می‌دانستند (Ali Bey, 1816:2: 147). وهابیان با اعتراض به تقلید در سنت فقهی اهل سنت، از گشودن باب اجتهاد سخن راندند (ضاهر، ۱۴۱۴: ۸۱). به نظر می‌رسد این عقیده وهابیت، از دیدگاه خاورشناسان، نوعی شورش علیه اقتدار مذهبی روحانیت و مذاهب فقهی، فهمیده شده و یادآور ایستادگی پروتستان‌ها در مقابل اقتدار و مرجعیت دینی کلیسا و روحانیت کلیسایی بوده

نقدانگاره شباهت وهابیت
و نهضت اصلاح دینی

١٢. مِنْهَا: رِسَالَةٌ فِي الْإِجْبَاطِ وَالتَّكْفِيرِ، عَرَبِيَّةً.
١٣. مِنْهَا: تَعْلِيْقَةٌ عَلَى كِتَابِ مَعَالِمِ الْأَصُولِ لِلشَّيْخِ زَيْنِ الدِّينِ - قُدْسِ رُوحِهِمَا - عَرَبِيَّةً.
١٤. مِنْهَا: شَرْحٌ لِلْمَعَالِمِ، فَارَسِيَّةً إِلَى مَبْحَثِ الْإِجْمَاعِ.
١٥. مِنْهَا: تَعْلِيْقٌ عَلَى شَرْحِ الْمُخْتَصَرِ الْمُضَنِّيِّ وَحَاشِيَةٌ مِيزْرَا جَانَ الشَّيْرَازِيِّ عَلَيْهِ.
١٦. مِنْهَا: تَعْلِيْقٌ عَلَى شَرَايِحِ الْإِسْلَامِ مِنَ الْفُصُولِ الثَّانِيَةِ فِي قَضَاءِ الصَّلَاةِ إِلَى مَسْأَلَةِ كَثِيرِ السَّفَرِ.
١٧. مِنْهَا: رِسَالَةٌ فِي أَحْكَامِ

بازگشت به اسلام
اصیل، از ادعاهای
وهابیت تلقی می‌گردد

والسهو
والشک
في الصلاة، بالفارسية
والاستدلال عليها.
١٨. منها: رسالة في ذلك المتسن لما تقدم،
بجبرى مجرى المسائل والفروع [٤].

١٩. منها: تعليق على قوله - رحمه الله عليه - في كتاب قواعد الأحكام: «كل من الاحتمالات الاستئناف» العربية. ٢٠. منها: تعليق على ذلك الكتاب بالفارسية. ٢١. منها: تعليق على الترك من طهارتين في يومين بالفارسية. ٢٢. منها: تعليق على قوله رحمه

است؛ کلیسایی که خود را تنها مرجع تفسیر کتاب مقدس و واسطه خدا و مردم می دانست (درباره بازانديشی پروتستانتيزم در مرجعیت کلیسا نک: مک گراث، ۱۳۸۲: ۱۰۳ تا ۱۰۸ و ۳۰۶ تا ۳۰۷؛ مک آفی براون، ۱۳۸۲: ۳۲۳ تا ۳۴۶).

هورخرونيه که از دو نوع پروتستانتيزم ليبرال و پروتستانتيزم محافظه کار سخن رانده است، بازگشت به عقیده سلف صالح را هم چون پروتستانتيزم محافظه کار می شناساند. در سخن وی، حنايله نماينده پروتستان های محافظه کار در میان مسلمانانند؛ گروهی که می پندارند هر عقیده ای باید بر اساس اندیشه و عمل «سلف صالح» شکل بگیرد و هر عقیده ای را باید با حدیث و سنت پیامبر ﷺ، صحابه و خلفای نخستین سنجید. به عقیده هورخرونيه، پروتستان های مسلمان نیز مانند سلف مسیحی خود تنها نتایج تحول و تکامل دینی ایجاد شده در سه قرن نخست را می پذیرفتند و آنچه در ادامه آمده را به عنوان انحراف و پیرایه هایی که بر دین اضافه شده ارزیابی می کنند (Hurgronje, 1916: 88-89). چنان که می بینیم، هورخرونيه آشکارا پروتستانزم و وهابیت را به دلیل سلف گرایی، شبیه هم دانسته است.

یکی از انگاره هایی که در آثار خاورشناسان مورد توجه قرار گرفته، تقابل اندیشه های این فرقه با دولت عثمانی است. اهمیت این موضوع از آن جاست که در اندیشه غربیان، دولت عثمانی هم چون مرجع دینی جهان اسلام شناخته شده و صف آرایی وهابیت در برابر آن یادآور اعتراض اصلاح طلبان اروپایی در مقابل مرجعیت دینی کلیسای کاتولیک و پاپ است. هارفورد بریجز (Harford Brydges) در شرحی که از تاریخ وهابیت نگاشت، پذیرش دعوت وهابیت از سوی برخی از مردم نجد را حاصل تلاش آنان برای کسب آزادی مذهبی دانسته است. به گفته وی، در نظر وهابیان، فساد حاکمان ترک، مایه دور شدن از سادگی توصیه شده از سوی پیامبر ﷺ بوده است. او در ادامه، مهم ترین عامل دشمنی وهابیان با دولت عثمانی را مخالفت با تقدس سلطان عثمانی در مقام امام جامعه اسلامی دانسته است (Jones, 1834: 2: 9-10). دیگر نویسندگان اروپایی نیز در کتاب های خود از واژه ترکان برای اشاره به آن دسته از مسلمانانی که وهابیان به اعمال و اندیشه هایشان اعتراض کرده اند استفاده می کنند. از جمله، بورکهارت از آداب زیارت ترکان یا فساد ترکان سخن رانده است و بی توجهی ترکان درباره احکام اسلامی، مانند کوتاهی در پرداخت زکات به فقرا، رعایت عدالت از سوی قاضی، حفظ روح جهادی اسلام در مقابل کافران، منع مسکرات و روابط جنسی نامشروع را از زمینه های اعتراض وهابیان به شمار آورده است. به گفته بورکهارت، ترکان، اخلاق شمالی خود را به اسلام تحمیل کردند (Burckhardt, 1830: 281-282).

مبارزه با مرجعیت دینی کلیسا و بازگشت به کتاب مقدس در اندیشه مصلحان مسیحی، با آنچه وهابیت به عنوان لزوم بازگشت به اندیشه سلف و مخالفت با فرقه گرایی طرح کرد، شباهت هایی داشته؛ اما باید به اختلاف های اساسی بین این دو آموزه در دو آیین توجه کرد.

الله في الكتاب المذكور في بحث الخياري ولو اشتري عبداً جارية إلى قوله: لما فيه من إيصال حق الآخر. ٢٣. منها: تعليق على قوله قدس سره في بحث خيار المجلس: «ولو حمل أحدهما» إلى قوله رضي الله عنه: «فيسقط خيار الأول». ٢٤. منها: رسالة في زكات الغلات الأربع والخمس. ٢٥. منها: فتياه في

تقسیم پروتستانتيزم به ليبرال و محافظه کار

الله في الكتاب المذكور في بحث الخياري ولو اشتري عبداً جارية إلى قوله: لما فيه من إيصال حق الآخر. ٢٣. منها: تعليق على قوله قدس سره في بحث خيار المجلس: «ولو حمل أحدهما» إلى قوله رضي الله عنه: «فيسقط خيار الأول». ٢٤. منها: رسالة في زكات الغلات الأربع والخمس. ٢٥. منها: فتياه في

تقابل اندیشه وهابیت با دولت عثمانی

الحبوة. ٢٦. منها: رسالة في كيفية غسل

الأموات والصلاة عليهم. تحقيقه لوجه الوجوب في عبادرة القواعد في النية حيث قال: أو لوجهها. ٢٧. منها: تطبيقه على الشرح الجديد للتجريد والحاشية القديمة للدواني وتعليق ميرزا جان عليه. ٢٨. منها: المطالع على الشرح الدواني عليه. وحاشية الدواني عليه. ٢٩. منها: تطبيق على شرح حكمة العين. ٣٠. منها: رسالة أنموذج العلوم. ٣١. منها: رسالة في كائنات الجوّ. ٣٢. منها: رسالة في اللزومية. ٣٣. منها: رسالة الأصفية. ٣٤. منها: رسالة الأصفية.

عقیده لوتر درباره روحانیان کلیسا

هدف پروتستان‌ها، از میان بردن جایگاه واسطگی کلیسا بین خدا و انسان بود. آنان در مقابل انحصار فهم و تفسیر کتاب مقدس برای کلیسا، از فهم عامه مردم از متون مقدس دفاع کردند. این آموزه اصلی که از زمان جان ویکلیف (John Wycliffe) (۱۳۳۰ تا ۱۴۱۰م) طرح شد، به ترجمه کتاب مقدس به زبان‌های مختلف اروپایی منجر شد که ارتباط عامه مردم با کتاب را فراهم می‌آورد (دورانت، ۱۳۶۸، ج ۶: ۴۴). لوتر در اندیشه‌های خود با امتیاز روحانی کلیسا مبارزه کرد و تمایز روحانیان مسیحی را با سایر مردم تنها بر عهده داشتن برخی وظایف خاص دینی دانست که هر کس از مؤمنان می‌توانست بدان دست یازد (لسلی، ۱۳۸۶: ۹۰ تا ۹۴؛ وحیدی مهرجردی، ۱۳۸۹: ۱۰۴).

رابطه روحانیت و عامه مردم در بین مسلمانان با آنچه در مسیحیت بود اساساً متفاوت بود. از این رو، آنچه در وهابیت به عنوان مخالفت با مذاهب فقهی مطرح شد، با مخالفت پروتستان‌ها با نقش واسطگی روحانیت مسیحی، تفاوت داشت. وهابیان گروه عمده‌ای از روحانیت دوران خود را فاسد و منحرف می‌دانستند؛ اما هیچ‌گاه درباره جایگاه روحانیت و نقش آن در دریافت و طرح عقاید و احکام دینی، اعتراضی نداشتند. در وهابیت آنچه مورد اعتراض محمد بن عبدالوهاب بود، تقلید به معنای فنی و اصطلاحی خود در علم فقه و ناظر بر نفی تقلید محض از مذاهب چهارگانه اهل سنت و گشایش باب اجتهاد بود و به معنای اعتبار بخشیدن به جایگاه عامه مردم در مقام دریافت‌کنندگان احکام اسلامی نبود (نک: ضاهر، ۱۴۱۴: ۷۸ تا ۸۳).

سخن پایانی

آنچه در این نوشتار گذشت، نگاهی گذرا به اندیشه مشابهت جنبش اصلاح دینی با وهابیت در آثار سفرنامه نویسان و خاورشناسان سده نوزدهم میلادی بود. استفاده از واژگانی که وهابیت را هم چون جنبشی اصلاحی معرفی می‌کند، در سده بیستم میلادی نیز ادامه یافت و امروزه نیز هم چنان استفاده می‌شود. با این حال، در پژوهش‌های جدیدتر غربیان، شباهت نهضت اصلاح دینی و وهابیت مطرح نبوده است.

توجه به آنچه در آثار نویسندگان غربی سده نوزدهم میلادی در توصیف وهابیت آمده، نشان دهنده تأثیر بیش‌انگاشته‌ها و تجربیات فرهنگی آنان در درک و فهم پدیده‌های شرقی است. شاید آنچه درباره تشبیه وهابیت به پروتستان‌تیزم اتفاق افتاده، ناشی از تلاش ذهنی انسان برای ایجاد آشنایی میان پدیده‌های جدید با پدیده‌های از پیش‌آشناست. از این دیدگاه، ایجاد پیوند ذهنی بین وهابیت و پروتستان‌تیزم، برای مسافران غربی که نخستین بار با وهابیت آشنا می‌شدند، چندان عجیب نیست. ایجاد چنین پیوندهای ذهنی که به تطبیق دو پدیده منجر می‌شود، افق‌های تازه‌ای در شناخت و تحلیل یک پدیده فراهم می‌آورد؛ اما

[۷]. ۳۵. منها: تطبیق علی رساله قدوة المحققین آقا حسین الخوانساری قدس سره في شبهة الاستزمام. ۳۶. منها: تطبیق علی رساله حسین - رضي الله عنه - علی رسالته المعروفة بالأصفية. ۳۷. منها: تطبیق علی رسالته حسین - رحمه الله - علی رسالته المعروفة باللزومية. ۳۸. منها: تطبیق علی رسالته حسین - رحمه الله - علی رسالته المعروفة بأنموذج عنه - في العلم وأن النظرية.

جایگاه انگاره شباهت در پژوهش‌های امروزین غربیان

کتاب‌نگار / شماره دوم و سوم / انگاره شباهت وهابیت و نهضت اصلاح دینی در آثار خاورشناسان

والضروية هل تختلف باختلاف أذهان العقلاء.

٤٠. منها: تحقيقه - لمسألة من مسائل الصيد.

٤١. تحقيق لمسألة ميتة الحية واستصحاب الذهب في الصلاة وتفصيل ذلك.

٤٢. أجوبة ثلاثة لمسائل، وهي التعلم من غير المجتهد ومن له أهلية الإفتاء، وإفتاء العقلاء، ونجاسة ولد الزنا وكفره.

٤٣. كلام على كلام ميرزا جان في حاشية الإشارات.

٤٤. جواب لمسألة سئل عنها - ذات الولد وآلتها.

٤٥. كلام في ضبط أقسام البيع.

درباره کارآمدی کامل و همیشگی آن نباید اغراق کرد. درحقیقت، چنین دیدگاه‌هایی در صورتی روشن‌تر خواهند بود که با نقد همراه باشند و هم چون دستاوردهای علمی مورد پذیرش کامل قرار نگیرند. به‌طور کلی، با وجود شباهتی که هر دو آیین پروتستان‌تیزم و وهابیت در مقام آیین‌هایی با ادعای اصلاح دینی دارند، در سطوح مختلف اندیشه‌های الهیاتی، خاستگاه اجتماعی و تجربه سیاسی اختلاف‌های عمیق با یکدیگر دارند که در یک نگاه همه‌جانبه درباره تطبیق این دو پدیده باید مورد توجه قرار گیرد.

پی‌نوشت

١. پیوریتینسم یا پاک‌دینی، شاخه‌ای از اصلاح‌طلبان که در انگلستان و از زمینه کلیسای انگلیکان پدید آمدند. این گروه در عقاید کلامی، پیروان کالون بودند و به تعبیری یکی از شاخه‌های کالونینسم به‌شمار می‌روند (نک: آفی براون، ۱۳۸۲: ۸۰).

منابع

- ابن بشر نجدی، عثمان، بی‌تا، عنوان المجد فی تاریخ نجد، ریاض: مکتبه الرياض الحديثه.
- ابن غنام، حسین، ۱۹۹۴، تاریخ نجد، تحقیق: ناصرالدین الاسد، بیروت: دار الشروق.
- ابوعلیه، عبدالفتاح حسن، ۱۴۲۲، دراسة فی اهم مصادر تاریخ الجزيرة العربية الحديث والمعاصر، ریاض: دارالمریخ.
- حمیش، سالم، ۱۹۹۱، الاستشراق فی افق انسداده، الرابط: المجلس القوم للثقافة العربية.
- دورانت، ویل، ۱۳۶۸، تاریخ تمدن (ج ۶، اصلاح دینی)، ترجمه فریدون بدره‌ای و دیگران، تهران: علمی و فرهنگی.
- الریاحی، امین، ۱۹۸۱، نجد و ملحقاته، ریاض: منشورات الفاخریه.
- السامرائی، قاسم، ۱۴۰۳، الاستشراق بین الموضوعیة، دارالرفاعی.
- سباعی، احمد، ۱۴۲۰ق، تاریخ مکه، مکه: مکتبه احیاء التراث الاسلامی.
- ضاهر، محمد کامل، ۱۴۱۴ق، الدعوة الوهابیة و اثرها فی الفكر الاسلامی الحديث، بیروت: دارالسلام.
- عاملی، سید محسن الامین، بی‌تا، کشف الازتیاب، بی‌جا: دارالکتاب الاسلامی.
- علیزاده موسوی، سید مهدی، ۱۳۹۱، «وهابیت آیین تجسیم و تشبیه»، مجله کلام اسلامی، سال بیست و یکم، شماره ۲.
- فوک، یوهان، ۲۰۰۷م، تاریخ حركة الاستشراق، ترجمه شریف یونس، قاهره: دارالشروق.
- کرمانی، طوبی، ۱۳۸۲، نگاهی به وهابیت، مجله مقالات و بررسی‌ها، شماره ۷۳.
- کونگ، هانس، ۱۳۸۴، تاریخ کلیسای کاتولیک، ترجمه حسن قنبری، قم: ادیان.

شبهات و اختلاف

عمیق بین وهابیت و

نهضت اصلاح دینی اروپا

٤٦. کلام فی التنبیه علی سوء فهم الرازی فی حل

عبارة الکشاف. رسالة فی الأراضي والبلدان

والمیاه ونسبة بعضها إلى بعض وتصحیح أسمائها وخواصها

وعجائبها. وله - رضوان الله علیه - تعليقات

علی کتاب تهذیب الأحكام، والاستبصار، ومن لا یحضره

فهرست منابع

١. لفقیه، ومسارک الأحكام، وشرح ومسارک الأفهام، وشرح اللعة، دونها

بعض تلا مذهب
ضبطاً لها عن الانتشار
والالتباس، ووضوحاً لها عن التغيير
والاشتباه...
ونقلته من خط من ضبط هذا التاريخ
وساير ما أحقه به هذه العبارات،
وهو الفاضل البارع التقى مولانا
حيدر علي بن العلامة
ووحيد عصره مولانا ميرزا
محمد الشيرازي

بی نوشتها
ر.ک: جامع الرواة، ج ۲: ۵۰۶؛ تذکره
وقایع السنین والاعوام: ۲۲۷؛ حدائق
نصراً بادی: ۲۴۹؛ رياض الجنة،
المقربین: ۵۲۰؛ روضات الجنات، ج ۲:
ج ۲: ۹۲ تا ۹۱؛ در الفوائد الرجالية
علامه بجر المعلوم (ج ۳: ۲۲۷ تا
شیرازی ذکر شده است.
مقدمه فرموده حواشی است در
الهیات تجرید خواجه نصیر و بر
شرح جدید قوشچی و نیز توضیح
مشکلات حاشیه شمس الدین
محمد خفزی بر شرح مزبور
(۲۹۲: ۱)
۲. این رساله در ۱۳۹۷ بر اساس
نسخه کتابخانه آستان قدس
به همت آیه الله رفعی از طرف مکتبه
۱۳۴ صفحه رقی از طرف مکتبه
مدرسه چهلستون چاپ شده
است.
۴. این رساله کوتاه که تفسیر
آیات ۵ تا ۱۱ سوره هل انی به
فارسی است، در مجموعه میراث
قرآنی شیعه، ج ۱، تحت
عنوان «رساله در

- لسلی، جلی، ۱۳۸۶، آیین پروتستان، ترجمه عبدالرحیم سلیمانی اردستانی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- محمود، احمد محمد، ۱۴۳۰، جهره الرحلات (ج ۳، رحلات المحرمة)، جده: دار السعودیه للنشر والتوزیع.
- مک آفی براون، رابرت، ۱۳۸۲، روح آیین پروتستان، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران: نگاه معاصر.
- مک گراث، آلیستر، ۱۳۸۲، مقدمه ای بر تفکر نهضت اصلاح دینی، ترجمه بهروز حدادی، قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
- وحیدی مهرجردی، شهاب الدین، ۱۳۸۹، درآمدی به آیین پروتستان، قم: ادیان.
- الویری، محسن، ۱۳۸۱، مطالعات اسلامی در غرب، تهران: سمت.
- هوشنگی، حسین، ۱۳۹۰، بنیادگرایی و سکفیه، همکار: احمد پاکتچی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- Ali Bey(1816), Travels of Ali Bey : in Morocco, Tripoli, Cyprus, Egypt, Arabia, Syria, and Turkey, between the years 1803 and 1807 / written by himself, Philadelphia: Printed for John Conrad, at the Shakespeare buildings, James Maxwell, Printer.
- Burckhardt , John Lewis(1830), Notes on the Bedouins and Wahabys, London, henry Colburn and Richard Bentley.
- Chambers's encyclopedia, London, W. & R. Chambers, limited; 1868.
- Crichton, Andrew (1834), The history of Arabia Ancient and modern, , New York, Harper & brothers.
- De Corancez, Louis Alexandre Olivier(1810), Histoire des wahabis; depuis leur origine jusqu'a la fin de 1809, Paris, Chez Crapart.
- Didier, Charles (1857), Séjour chez le grand-chérif de la Mekke, , Paris, L. Hachette et cie.
- Doughty, Charles Montagu,(1921), Travels in Arabia Deserta, , London, Boston, P. L. Warner, publisher to the Medici society, ltd., J. Cape.
- Hodgson, William Brown(1837), An Edited Biographical Sketch of Mohammed Ali, Pasha of Egypt, Syria, and Arabia, Peter Force, Georgetown, Washington.
- Hurgronje, C. snouck(1916), Mohammedanism, New York and London, G. P. Putnam's sons.

عصمت
اهل بیت است.
چاپ شده است.
مجموعه رساله در دفتر هفتم
بنیاد پژوهش های اسلامی آستان
قدس رضوی به کوشش منصور
ستایش در ۱۱ صفحه

۶. «ومنها کتابه الکبیر
فی خصوص مسائل الشکیات،
ذکر الکتب» و کتاب آخر مختصر من
ج ۷: ۹۱. نسخه اصل و نسخه من
به خط محمد رفیع بن ملا صفات الله
نائینی در کتابخانه مدرسه صدر
اصفهان نگه داری می شود.

۷. ظهیرالدین علی بن مراد تفرشی
پس از مراجعت از قم و اقامت در
اصفهان، ردی بر آصفیه مدقق
شیرازی نگاشته و به استادش
تقدیم کرده است (فهرست
مرعشی، ج ۳: ۲۳: ۱۱۸).

رحیم قاسمی

- Jones, Harford (1834), An account of the transactions of his majesty s mission to the court of Persia to which is appended A brief history of the Wahaby, London, James Bohn.
- Rally, Augustus]1909(, Christians at Mecca: London, William Heine-mann.
- Wavell, A. J. B. (1918), A modern pilgrim in Mecca, London, Constable & Company, Ltd.

توانا بود هر که دانا بود

سلسله انتشارات مؤسسه و عظم و خطابه

معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

درس: معرفه النفس

اسم استاد: آقای دکتر قاسم غنی

۲۰ فروردین ۱۳۱۷

تکمیل شد

سال ۱۳۱۵

معرفه النفس، دکتر قاسم غنی - ۹/۱۲۷۲ فروردین ۱۳۳۱ ش...، دستخط
مؤلف، اهداء نسخه ای از کتاب به کلنل علینقی وزیر